

تحلیل روایت مستند «عبای سوخته» از حیات سیاسی شهید بهشتی

دکترین بهشتی انقلاب



زهرا طربسی خبرنگار گروه سیاست

برای جمع شهروشن فکر و افراطیون هيجان‌زده که با موج انقلاب همراه شدند که از جریان انقلاب جانمانند، درک اندیشه شهيد بهشتی که از افراط و تفریط‌های روزهای اول انقلاب دور بود، خیلی راحت نبود. به همین خاطر بود که بخشی از این طیف از خوانش‌های غلط از زیست و زندگی او شروع کردند، برخی دروغ‌ها را باور کردند و به شعار مرگ بر بهشتی رسیدند. واقعیت آن بود که بهشتی از جمله توريسين‌های انقلاب ايران بود که چهارچوب و ایده منطقی از نظام جمهوری اسلامی داشت و بر خلاف سطحی‌نگران در تندباد و بالا و پایین شدن حوادث دستخوش تغییرات نشد. خوانشی که مستند «عبای سوخته» که به تازگی در جشنواره سینماحقیقت اکران شده، از حیات سیاسی او ارائه می دهد، بر همین محور تأکید دارد. اگر چه مستند روایت جامعی از حیات سیاسی بهشتی ارائه نمی کند و برخی را تنها خراش می دهد، اما عباي سوخته می‌خواهد بگوید او در کنار چهره‌هایی مثل شهید مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای نه در دام خطاهای تحلیلی ملی‌مذهبی‌ها افتاد، نه از هیجان‌زده‌گان انقلابی تبعیت محض کرده البته بر مدار حذف و خروج آن‌ها از مدار انقلاب هم حرکت نکرده است. بهشتی میانه‌روی انقلابی را نه‌با منطق وادادگی که با ناگه‌های منطقی انقلابی دنبال می کرد. این زاویه نگاه او آن قدر متقن و چهارچوب‌دار بود که تاکنون و در برخی کلان مسئله‌های سیاسی، مبنای عمل حکمرانی قرار می گیرد.

انقلابی‌گری به معنای واقعی

مواجهه و کنش سیاسی شهید بهشتی پیش و پس از انقلاب تغییر ماهوی نداشت. مستند روایت بهشتی را از زمان تشکیل شورای انقلاب شروع می‌کند. شورابا حضور ملی‌مذهبی‌ها وروحانیت‌مذهبی تشکیل شده بود و حضور طیف‌های فکری انقلابی، البته اختلاف را هم به امری قریب‌الوقوع تبدیل کرد. برخلاف انگاره‌ای که در مورد دولت موقت پس از انقلاب وجود دارد، شکاف‌های فکری زیادی بین ملی‌مذهبی‌ها وروحانیت انقلابی در مورد ماهیت تشکیل انقلاب وجود داشت. ملی‌مذهبی‌ها با شعار مرگ بر شاه مخالف و معتقد بودند اگر گذار با مذاکره اتفاق می افتد، باید آن را دنبال کرد، در حالی که امام با این نگاه کاملاً مخالف بود و بهشتی هم صراحتاً این را اعلام کرده بود؛ اما اختلاف نظر ه‌ما موجب‌نشد که نهضت آزادی‌ها از شوررا جدا شوند. حتی در روزهای بعد از انقلاب و به واسطه آنکه تأکید امام روی این بود که روحانیت وارد این مناصب نشود و گزینه‌ای که بیشتر مورد اقبال

امارات کارگزار تجزیه

دریمن چه خبر است؟

ادامه از صفحه یک

در یم نیز آن‌ها از نیروهای شورای انتقالی جنوب به رهبری عبدالوس الزبیدی حمایت می‌کنند. این شورا از سال ۲۰۱۷ تشکیل شد و پیش ازاین جنبش جنوب نام داشت. جنبش جنوب از سال۲۰۰۷ شکل گرفته و به دنبال احیای مجدد کشور یم جنوبی بود. حمایت از این قوا برای اماراتی‌ها مزایای مشاهلی با حمایت از نیروهای واکنش سریع داشت؛ شورای انتقالی جنوب دارای آرمان‌های محلی، جمعیت وفادار، قدمت و اتحاد چندنده‌ای، تجارب جنگی وسیاسی، جغرافیای خاص و تعداد قابل توجهی شبه‌نظامی بود. اگر در سودان تعداد شورشیان با ارزش ملی تقریباً برابر است، در یم نیز شورشیان مورد حمایت امارات دارای قوای عظیم در سطح دولت مرکزی مستقر در صنعا و قوای مورد پشتیبانی عربستان هستند.

دلیل تمایل امارات به حمایت از چنین قوایی در هر کشور، به ضعف آن‌ها در مدیریت مستقیم با می‌گردد؛ در حالی که کشور‌های توانمند مجموعه‌های مختلف و پراکنده‌ای از نیروها را مورد حمایت قرار می‌دهند و تمایلی به پشتیبانی از قوای عمده ندارند؛ زیرا احتمال دارد آن‌ها پس از مدتی خود را بی‌نیاز از حامی‌شان فرض کنند.

۲ نیروهای امارات و عربستان سعودی تقریباً در تمام خاک یم جنوبی سابق هم‌راهِ یکدیگر حضور داشتند.

کفه قدرت در منطقه غربی با حمایت امارات از الش‌شورای انتقالی جنوب با این کشور بود و سعودی‌ها به دلیل مرز مشترک و حضور زمینی مستقیم، در ناحیه شرقی قدرت بیشتری داشتند.

۳ اگر امارات و مجلس انتقالی جنوب بخواهند یم جنوبی را احیا و کشور را تجزیه کنند، به مایدین انرژی شرق نیاز دارند. بدون این میادین

دوگانهٔ خط امام و خط سازش

یکی از محورهای کلیدی که تبدیل به محل اختلاف دولت موقت با انقلابیون می‌شود، دیدگاهی بود که آنان نسبت به مذاکره داشتند. نهضت آزادی‌ها قائل به برقراری روابط میانیک‌با آمریکایی‌ها بودند، آن‌هم درحالی‌که ایرانی‌ها به‌خاطر راهدان شاه به آمریکا، عصبانیت و خشم زیادی از آمریکایی‌ها داشتند. بازرگان اما جور دیگری فکر می‌کرد. در جریان سسفری که بازرگان در آبان ۵۸ به الجزایر داشت، دیداری محرمانه با برژنسکی، مشاور امنیتی کارتر داشت. این دیدار با واکنش‌های منفی زیادی مواجه شد، اما نکته‌ای که شهید بهشتی به آن اشاره می‌کرد این بود که در اصل و اساس گفت‌وگو ابرادی وارد نیست، اما حتی خود او هم که پیش از این دیداری با مقامات آمریکایی داشته، محتوای آن را در اختیار شورای انقلاب گذاشته است. نکته آن است که بازرگان هیچ بخشی از مشروح مذاکرات را در اختیار اعضای شورای انقلاب قرار نداده بود.

هزینه اداره امور دولتی و نظامی منبع داخلی معتبری نخواهد داشت. دسترسی به این میادین به معنای عدم نیاز به واردات انرژی خواهد بود؛ از سسوی دیگر علاوه بر این صرفه‌جویی، دولت از مزایای فروش داخلی و صادرات انرژی بهره‌مند می‌شود.

با سقوط سوریه، نفوذ امارات در دمشق محدود شد و در جنوب که حوزه‌محل نفوذش بود، رژیم صهیونیستی به‌طور مستقیم مسئولیت‌ها را برعهده گرفت.

سقوط سوریه قدرت ترکیه و عربستان را در سوریه افزایش داد و ریاض در بیروت نیز توفیقاتی کسب کرد. در عراق، محور مقاومت، ترکیه، قطر و عربستان قدرت بیشتری کسب کردند.

با کاهش زمینه‌های مانور در شام و عراق، امارات بر سر مایه‌گذاری خود در دوسوی دریای سرخ افزود تا ناگامی‌ها را در این منطقه جبران کند.

امارات، جمهوری ونیز می‌شود؟

به نظر می‌رسد امارات با عبور از اقتصاد نفتی و شکوفایی در تجارت متکی بر دریا، در حال پیمودن مسیر های مشابه با جمهوری ونیز است که موفق شد در دریای مدیترانه به یک قدرت تجاری-نظامی تبدیل شود. ونیزی‌ها در اوج دوران خود، به دلیل نقش گسترده در تجارت میان اروپا، آسیا و شمال آفریقا به ثروت زیادی دست یافته و با تشکیل قوای دریایی بر جزایر و بنادر متعددی در مدیترانه مسلط شدند. امارات قصد دارد فرایند مشابهی را پیماید و پس از آنکه بنادرش به بارانداز واردات و صادرات غرب آسیا تبدیل شدند، در پی مسلط‌شدن بر جزایر و بنادر در آب‌های نزدیک به‌ویژه در خلیج عدن، باب‌المندب و دریای سرخ است. اماراتی‌ها می‌خواهند مسیر ونیز را طی کنند؛ اما همه شرایط میان آن‌ها یکسان نیست.

هند در سودای استقلال استراتژیک

ادامه از صفحه یک

سیاست خارجی هند که از تجربه تلخ امپریالیسم تغذیه کرده، از هرگونه رویکرد مداخله‌جویانه بیزار است و از آنچه بی‌احترامی به جایگاه قدرت بزرگ خود می‌داند، به شدت دوری می‌کند. در مقابل، روسیه (و پیش از آن شوروی) همواره نقشی متفاوت بازی کرده است. روابط دو کشور بر پایه سابقه طولانی همکاری از دوران پیمان صلح، دوستی و همکاری ۱۹۷۱ استوار است؛ زمانی که غرب به پاکستان سلاح می‌داد، مسکو در کنار دهلی ایستاد. حمایت‌روشن روسیه از مطالبه دیرینه هند برای دستیابی به کرسی دائم شورای امنیت، و تری قطعه‌نامه‌های ضد هندی درباره کشمیر و عدم مداخله در امور داخلی هند (برخلاف آمریکا که مدام از وضعیت حقوق بشر و اقلیت‌ها انتقاد می‌کند)، مسکو را به شریکی آزموده‌شده در زمان تبدیل کرده است. جایگاه روسیه برای هند به‌عنوان «بهترین دوست» با ترجیحات چندقطبی دهلی هم‌سو است و حسن عطف هند را تقویت می‌کند. اما آنچه امروز این دیدار را حیاتی کرده، تغییر ماهیت رفتار آمریکا با هند است. هند در حال حاضر در یک دوراهی استراتژیک و خطرناک قرار گرفته است. از یک سو نیاز به تقویت روابط با روسیه دارد و از سوی دیگر نگران واکنش‌های تنبیهی آمریکاست. با این حال، رفتار واشنگتن محاسبات را تغییر داده است. آغاز دور جدیدی سیاست‌های ژئوپلیتی و بازگشت شعار «اول آمریکا»، مسیری ناهموار و پرچالش را پیش پای هند گذاشته است؛ هرچند دهلی نو تلاش کرد که بسیاری از خواسته‌های آمریکا را برآورده کند. از افزایش خرید انرژی وسلاح‌های آمریکایی گرفته تا امتیازات تجاری-اما این اعطاف مانع از اعمال تعرفه‌های سنگین، موسوم به تعرفه‌های روز آزادسازی (Liberation Day tariffs) بر کالا‌های هندی نشد. ترامپ بر خلاف سیاست‌های یک‌دهه گذشته که تلاش داشتند هند را به‌عنوان رزنه‌ای



مردم قرار گیرد، انتخاب شود، بازرگان به‌عنوان رئیس دولت موقت انتخاب شد. باوجود آنکه اختلاف نظر‌ها با دولت موقت بالا می‌گیرد، اما شهید بهشتی معتقد است این انتخاب در آن بازه تصمیم غلطی نبوده است.

دوگانهٔ خط امام و خط سازش

برخلاف دو نگاهی که با مذاکره با آمریکا را به طور کامل نفی می‌کردند یا از آن طرف بوم افتاده بودند، شهید بهشتی معتقد بود که نه باید مذاکره را نفی کرد و نه کاملاً با آن چهارچوب هماهنگ شد. دیدگاهی که در دو نگاه خط امامی و خط سازش آن را این طور تبیین می‌کرد: «دو نوع سازش در تاریخ سیاسی ما وجود داشته که باید به آن توجه کرد و خط امامی هر دو نوع سازش است. نوع اول سازش خیانتکارانه آگاهانه است. مادر تاریخ کشورمان از این خانن‌ها، اشخاص یا گروه‌ها کم نداشتیم. نوع دوم سازش این است که فرد یا گروه، واقعاً علاقه‌مند است که به کشورش خیانت کند؛ اما مطالعات، محاسبات و برنامه‌ریزی‌های او برای تلاش و خدمت به کشور، به این نتیجه رسیده است که در یک جبهه نمی‌شود هم با یگانه مبارزه کرد هم با عامل داخلی او. این سازش به‌قصد خیانت نیست. از روی سوعنیت نیست، ولی قابل تأمل است.» بهشتی حتی در تبیین سازش کاران در سیاست خارجی، دسته‌بندی ارائه می‌کند و نگاهی صفر و صدی نداشت. درحالی‌که خط سازش را به عینه قبول نداشت، اما بر خودری هیجانی و حذفی با این نگاه‌های مخالف نیز نداشت. این نقطه‌ای که مستند عباي سوخته روی آن می‌ایستد و به‌یوغی با دغدغه چندین ساله ایرانی‌ها در سیاست خارجی پیوند برقرار می‌کند، نوعی این همانی با این روز‌ها برقرار می‌شود.

عصر آسیب‌پذیری‌ها

تغییرات در تسلیحات باعث شده تا دسترسی به سلاح‌های دوربرد و دقیق به دشواری دهه‌های قبل نباشد. اگر زمانی برد جنگنده-مب‌افکن‌ها محدود و بمب‌هایشان غیردقیق بود، نهایت برد موشک‌های بالستیک متعارف در مدل اسکاد به ۳۰۰ کیلومتر محدود می‌شد و خبری از گسترش موشک‌های کروز به دلیل دشواری سیستم‌های هدایت و کنترل نبود، حالا شرایط فرق کرده است. امروزه فراتر از دولت‌ها، گروه‌های فرودولتی هم به برخی توانمندی‌های هوایی کوتاه‌برد یا برد بلند دست یافته‌اند.

حملات موشکی و پهپادی یمِ به عربستان و امارات و هدف قرار گرفتن کشتی‌های تجاری با مبدأ و مقصد بنادر اماراتی در مسیر و یا محدوده بنادر، قرارداشتن امارات در عصر آسیب‌پذیری‌ها را نشان می‌دهد.

این روند شامل قدرت‌های بزرگ نیز می‌شود؛ هم‌زمان با آنکه روسیه در معرض حملات پهپادی وریز پرنده‌ها قرار دارد، آمریکا طر‌حی تحت عنوان گنبد طلایی دارد که نشانگر سربت‌خطر به چنین قدرت‌هایی است.

۲ محیط قدرتمند

ونیز زمانی شکل گرفت که اتحاد شبه جزیره ایالت‌ایا زینت و امپراتوری روم غربی فرو پاشید. این حکومت اندکی قبل از تشکیل کشور ایتالیا از بین رفت. به عبارتی دیگر ونیز حدفاصل فروپاشی قدرت در شبه جزیره ایالت‌ایا تا زمان احیای مجدد آن حیات داشت.

در منطقه‌ای وسیع‌تر، در دریای مدیترانه به‌ویژه در مرکز آن قدرت قابل اعتنایی وجود نداشت و این به ونیزی‌ها برای توسعه قدرتشا کمک کرد؛ اما در زمان قدرت روم شرقی، عثمانی و سپس امپراتوری اتریش-مجارستان این بسط قدرت ابتدا متوقف و سپس توانمندی‌هایش در داخل مرزها محدود می‌شد.

نه افراط نه تفریط

بهشتی اصل مواجهه منطقی و میانه‌روانه را با برخی چهره‌های انقلابی که اختلاف نظر ساختاری با آن‌ها داشت را ادامه داد و همکاری با بازرگان و حتی بنی صدر که عملاً از الفاظی علیه روحانیت استفاده می‌کرد را پیش می‌برد، اما فاصله‌گذاری آن‌ها با انقلاب منجر شد بهشتی صراحتاً علیه آن‌ها فاصله‌گذاری کند. برکناری بنی صدر و شروع عملیات مسلحانه سازمان موسوم به مجاهدین، آغاز حملات و ترور شخصیتی شهید بهشتی بود. باوجود آنکه بهشتی در ابتدا با حسن نیت با مجاهدین خلق مواجه می‌شد، اما رفتار آنان منجر به فاصله‌گذاری صریح با آنان شد. شهید بهشتی در گفت‌وگویی با اعضای سسازمان موسوم به مجاهدین این طور با آنان گفت‌وگو و مناظره می‌شود: «با آن آهنگی که شما برادران برای بحث انتخاب کردید، اینجارینگ بوکس می‌شود یا محل مباحثه؟ این شایعه و دروغی است که برای برهم‌زدن روابط و اعتماد متقابل ساخته شده و بنده هم این دروغ را بر ملا کردم که من نه سرمایه‌دارم و نه طرف‌دار سرمایه‌داری بودم و هشتم، برادر ما همان‌طور که هستیم خودمان را به مردم نشان می‌دهیم.»

روایت مستند، روایت کنش‌های سیاسی بهشتی حتی با مخالفان و کسانی که به انقلاب آسیب‌زدند و به جدال با آن برخاستند را عاقلانه، منطقی و به‌دور از رفتارهای احساسی نشان می‌دهد؛ اما عاقبت همان‌هایی که شعار مرگ بر بهشتی می‌دادند هم برای ترورش برنامه ریختند.

بهشتی؛ مردی برای تمام فصول

نگاه‌های منطقی و مبتنی بر تنوری‌های انقلابی بهشتی هم در زمان تدوین قانون اساسی، نقش کلیدی داشت. بهشتی در حوزه تدوین مسائلی مثل حقوق زنان که عموماً بر خورد‌های افراطی با آن می‌شد، عقایدی اسلامی و درعین حال روشنفکرانه ارائه می‌کرد. بهشتی برخلاف برخی از چهره‌ها که تازه با وقوع انقلاب در جریان قواعد و باورهای انقلاب اسلامی قرار گرفتند، از همان ابتدا نگاه و ایده روشنی در مورد چهارچوب و قواعد سیاسی نظام جمهوری اسلام می‌داشت و این ایده‌ها آن قدر متقن و مشخص بودند که در جریان حملات و قضاوت‌های خطا و در جریان توهین‌های سازمان موسوم به مجاهدین خلق دستخوش دگرگونی یا حتی عقب‌نشینی نشد تا آنجا که بعد از شهادتش امام به گلاویه از این تهمت‌ها پرداخت. نگاه شهید بهشتی تنها محصور در وقایع و رویدادهای سال‌های اول انقلاب نبود. واقعیت آن است که ایران امروز به همان چهارچوب نگاه بهشتی در حکمرانی نیاز دارد که در موارد متعددی در تصمیم‌گیری‌ها ساری و جاری است.

اماراتی‌ها در محیطی فعالیت می‌کنند که بازیگران قدرتمند بومی دارد؛ نه فقط در غرب آسیا و محیط پیراموش بلکه در همان محیط خلیج فارس، ایران و عربستان سعودی حضور دارند و قطر نیز در حدی بسیار کمتر از این دو، قابل اعتناست؛ زیرا همانند امارات دارای توانمندی‌هایی برای نفوذ در مناطق است. در محیط بزرگ‌تر، ترکیه و مصر حضور دارند. در سودان، امارات با حمایت از شورشیان در قالب قوای شبه‌نظامی نیروهای واکنش سریع در مقابل دولت مرکزی قرار گرفته که مورد حمایت ترکیه، عربستان سعودی، مصر و ایران است. امارتی‌ها البته در این جبهه تنها نیستند و از همراهی رژیم صهیونیستی و آمریکا بهره می‌برند.

رژیم صهیونیستی آینده‌زنده

رژیم صهیونیستی حاصل دو جنگ جهانی است و از دل مناسبات شکل گرفته پس از آن‌ها تأسیس شده است. صهیونیست‌ها سرپل اصلی غرب در جهان اسلام و آسیا به حساب آمده و در جهان غرب نفوذ بسپاری داشته و مندر حمایت تندر و هوای مسیحی است.

از نظر ابعاد قدرت تل آویو با ابوظبی غیرقابل مقایسه است؛ رژیم صهیونیستی به قوای زمینی و هوایی مجهز بوده و از سلاح‌های هسته‌ای بر خوردار شده است. در سوی دیگر بر اساس یک سیاست همه‌جانبه، برتری کیفی صهیونیست‌ها در منطقه باید حفظ شود؛ نتیجه این سیاست عدم فروش سلاح‌های بسیار پیشرفته آمریکایی به منطقه، فشار بر چین و روسیه در خصوص ارائه سلاح به منطقه و ترور دانشمندان کشورهایی مانند ایران، عراق، مصر و سوریه است.

علی‌رغم این مزایا اما تل آویو قادر به تثبیت و بسط قدرت خود در منطقه به شکلی قابل اعتماد نشده است. اگر صهیونیست‌ها با قدمت، روشمندی، حمایت، امکانات و آزادی عمل بیشتر نسبت به امارات در مسیری اتاکم مانده‌اند، بعد است امارات بتواند چنین مسیری را پیگیری کند.

نیز شکاف‌های جدی در دیپلماسی عمومی دو کشور ایجاد کرده و ناسیونالیسم هندی را علیه واشنگتن بسیج کرده است. حل این معضل برای دهلی نو نیاز مند پندبازی ظریفی است؛ مذاکره برای کاهش کسری تجاری با آمریکا بدون آسیب به تولید داخلی و هم‌زمان حفظ جریان انرژی ارزان از روسیه بدون تحریک تحریم‌های ثانویه. سفر بویتن و استقبال گرم مودی از او را باید در قاب بزرگ‌تر گذار نظم بین‌الملل تفسیر کرد. روسیه و هند از نظم جهانی چندقطبی حمایت می‌کنند؛ نظمی که در آن قدرت و تصمیم‌گیری توزیع شده باشد و هیچ کشوری نتواند اراده خود را بر دیگران تحمیل کند. این دیدگاه لزوماً به معنای دشمنی با آمریکا نیست، بلکه تلاشی برای متوقف کردن یکجانبه‌گرایی مخرب واشنگتن است. همکاری نزدیک در بریکس، سازمان همکاری‌های شانگهای و گروه ۲۰ نشان می‌دهد که مسکو، دهلی‌نو را شریکی ضروری در جهان چندقطبی آینده می‌داند و هند نیز روسیه را رزنه‌ای متعادل‌بخش در برابر غرب و حتی چین می‌بیند. این سفر پیامی واضح به جهان مخابره کرد؛ عصر تحریم به‌عنوان ابزار اداره جهان به پایان رسیده است. در حالی که آمریکا با تعرفه و اروپا با قطع وابستگی می‌کوشند جهان را به دو بلوک تقسیم کنند، کشورهایی نظیر روسیه، هند و چین (و حتی ایران در لایه‌ای دیگر) نشان می‌دهند که می‌توان جهانی ساخت که در آن منافع ملی بر ایدنولوژی‌های تحمیلی غرب ارجحیت دارد. آنچه امروز در دهلی‌نو، یکن، مسکو و تهران شاهد آن هستیم، نتیجه مستقیم سیاست‌های آشفته، متناقض و باج‌گیرانه آمریکاست که متحملان بالقوه را به رقبای بالفعل تبدیل کرده و ناخوسته، معماران نظم نوین جهانی را در کنار یکدیگر قرار داده است. هند با این دیدار ثابت کرد که استقلال استراتژیکش فروشی نیست و حاضر است برای حفظ آن، حتی در برابر طوفان تعرفه‌های آمریکایی‌است.

فرهنگ یگان

فرهنگ یگان

 پنجشنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۴
 شماره ۴۵۷۹
 FARHIKHTEGANDAILY.COM
 FARHIKHTEGANONLINE